

تحلیل مبانی ادبیات غنایی در برخی سوره‌های قرآن با تکیه بر تحلیل مولانا در مثنوی

مسعود بحرانی پور^۱، حسین اسماعیلی^۲، حسن شعبانی آزاد^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: hoseinesmaeili@iau.ac.ir

چکیده

با توجه به گستردگی عمیق ادبیات غنایی و آمار بالای مخاطبین آن (به دلیل سرودین و آهنگین بودن آن)، این تحقیق با هدف تحلیل مبانی ادبیات غنایی در برخی از سوره‌های قرآن با تکیه بر تحلیل مولانا و مثنوی در دست اقدام می‌باشد که ضمن بررسی مبانی ادبیات غنایی در برخی از سوره‌ها که در مثنوی مورد تحلیل قرار گرفته است، به مضامین عشق و شادی، شیفتگی و شوریدگی توجه نموده و به دلیل ساختار شعر فارسی پند و اندرز و وصف و مدح را هم در بر گرفته و با مبدأ فکری خاصی که دارد بسیار نزدیک به سوره‌های قرآنی است که در مضامین عاشقانه و اخلاقی و تربیتی مثنوی مولانا رسوخ یافته است. لذا از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است، که جامعه آماری آن شامل، کلیه متون موجود در خصوص ادبیات غنایی است و نمونه آماری آن نیز بعد از غربالگری از بین مقالاتی است که با عنوان و چکیده و مولفه‌های تحقیق همخوانی بیشتری داشته اند که با استفاده از روش تحلیل توصیفی - تحلیلی بر پایه اطلاعات کتابخانه‌ای می‌مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و نتایج حاصله از آن گویای تعلیمی بودن کتاب مثنوی مولانا بود که با بهره‌گیری از سوره‌ها و... از صبر و بردباری، قضا و قدر مشورت با نیکان و بزرگان، وفاداری و... شعرگونه‌هایی در باب تعلیم شاگردانش ارائه داده و چیزی بالغ بر یک صد و هشتاد و هفت بیت از مثنوی بود که با تفوق بر کلام الهی در راستای راهنمایی بشر، عرفان عملی و تعالیم حسّی و توصیه‌های نظری با تکیه بر سوره‌ها و آیات قرآن بود، طوری که شارحان و مفسران مثنوی یک چهارم آن را ترجمه یا تعبیری غیر مستقیم از آیات قرآن دانسته‌اند.

کلیدواژگان: ادبیات غنایی، سوره‌های قرآن، مولانا، مثنوی



شیوه‌نامه: بحرانی پور، مسعود، اسماعیلی، حسین، و شعبانی آزاد، حسن. (۱۴۰۳). تحلیل مبانی ادبیات غنایی در برخی سوره‌های قرآن با تکیه بر تحلیل مولانا در مثنوی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲ (۳)، ۲۵۷-۲۶۵.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۹ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۵ مهر ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

An Analysis of the Foundations of Lyric Literature in Selected Surahs of the Qur'an Based on Rumi's Interpretations in the Mathnawi

Masuod Bahrani Poor¹, Hossein Esmaili^{2*}, Hasan Shabani Azad²

1. Department of Persian Language and Literature, Gac.C., Islamic Azad University, Gachsaran, Iran

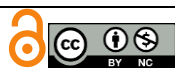
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gachsaran, Islamic Azad University, Gachsaran, Iran

*Corresponding Author's Email: hoseinesmaeli@iau.ac.ir

Abstract

Given the vast scope of lyric literature and its high audience appeal—largely due to its melodious and rhythmic nature—this study aims to analyze the foundations of lyric literature in selected Surahs of the Qur'an, with a particular emphasis on Rumi's interpretations in the Mathnawi. While exploring the elements of lyric literature in certain Surahs analyzed within the Mathnawi, the study addresses themes such as love, joy, passion, and spiritual ecstasy. Due to the structure of Persian poetry, the themes of counsel, advice, praise, and description are also incorporated, aligning closely with the Qur'anic Surahs that penetrate the Mathnawi's romantic, ethical, and pedagogical content. The research adopts a library-based method. The statistical population includes all existing texts on lyric literature, and the sample was selected through screening articles that demonstrated greater consistency with the title, abstract, and conceptual components of the study. These samples were then analyzed using a descriptive-analytical method grounded in library data. The findings indicate that Rumi's Mathnawi serves an instructional purpose, utilizing Qur'anic Surahs and themes to offer poetic teachings to his disciples. These teachings include subjects such as patience and perseverance, divine decree and predestination, consultation with the righteous and elders, loyalty, and more. Approximately 187 verses from the Mathnawi are shown to correspond with divine discourse, serving as a guide for humanity by integrating practical mysticism, sensory teachings, and theoretical recommendations grounded in Qur'anic Surahs and verses. Commentators and exegetes of the Mathnawi have noted that nearly one-fourth of the work constitutes indirect translations or interpretations of Qur'anic verses.

Keywords: *Lyric Literature, Surahs of the Qur'an, Rumi, Mathnawi*



How to cite: Bahrani Poor, M., Esmaili, H., & Shabani Azad, H. (2024). An Analysis of the Foundations of Lyric Literature in Selected Surahs of the Qur'an Based on Rumi's Interpretations in the Mathnawi. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(3), 245-257.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 25 August 2024

Revise Date: 22 October 2024

Accept Date: 30 October 2024

Publish Date: 15 November 2024

مقدمه

ادب غنایی شامل اشعاری است برگرفته از احساسات و عواطف شاعر، که در آن به خویشتن خویش می‌پردازد و احساسات شخصی خود را با زبانی آهنگین بیان می‌کند و در شعر فارسی خود را به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بشارت‌های و گلابیه و تغزل در قالب غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و حتی قصیده مطرح می‌نماید، اما مهم‌ترین قالب آن غزل است.

در حقیقت در اشعار فارسی وسیع‌ترین افق معنوی، افق شعرهای غنایی است. موضوعاتی که در ادب فارسی حوزه شعر غنایی را تشکیل می‌دهد تقریباً تمام موضوعات رایج است و در یک نگاه اجمالی: شعرهای عاشقانه، فلسفی، عرفانی، مذهبی، هجو، مدح، وصف طبیعت، همگی مصادیق شعر غنایی هستند.

چرا که این اشعار در اوج احساس آدمی در عشق نمود یافته و از این جهت در ادب فارسی نوع غنایی بیشتر به اشعار عاشقانه اطلاع می‌شود. در واقع پس از شنیده شدن نام ادب غنایی اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود اشعار عاشقانه است. اشعاری که شرح دنیای دلدادگی، مهجوری و اشتیاق است، که اغلب این اشعار در منظومه‌های بلند روایی در قالب مثنوی هویت می‌یابند علیرغم این که غزل برجسته‌ترین قالب شعر غنایی است.

ادبیات غنایی از کهن‌ترین و پراوازه‌ترین و پرمخاطب‌ترین نوع‌ها^۱ و اشعار ادبی^۲ به شمار می‌آید (ذاکری کیش، ۱۳۹۵). عده‌ای نیز به مانند ارسطو تقسیم بندی جداگانه‌ای برای آن در نظر نگرفته و تنها به این دلیل که با موسیقی همراه است اما شعر محض محسوب نمی‌شود و صورتگر هم در تایید آن، اظهار داشته که، ارسطو چون نمی‌تواند لذت و شوریدگی که از شنیدن این آثار به فرد دست می‌دهد را تفکیک نماید، نمی‌توان صرفاً آن را شعر نامد، دالاس هم در این خصوص اظهار داشته که شعر^۳ در دو دسته (حماسی،

نمایشی) است و اشعار غنایی در شعر حماسی تعریف می‌شود (1). حتی عده‌ای آن را میراث عظیم بشری معرفی نموده اند چرا که انسان‌های نخستین از طریق اصوات با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و احساسات تمایلات و ارتباطات و لذایذ و شکستهای خود را از طریق نجوا هر چند ابتدایی به شیوه خود (کاملاً شخصی) ابراز داشته اما همین شروع و آغازی برای ادبیات غنایی به شمار می‌رفته است (2, 3) چرا که در مضمون عشق و علاقه محبت دوستی وحدت، مدح، وصف، پند و اندرز، مضامین دینی و اخلاقی، مناجات و... را در بر می‌گرفت؛ پس می‌توان اینگونه اظهار داشت که ادبیات غنایی در بسیاری موارد در (اشعار متون ادبی، آیات روایات و...) دیده می‌شود (4) عده‌ای نیز آن را یکی از انواع چهارگانه ادبی دانسته اند که در واقع آینه عواطف و احساسات و آلام یا لذات شاعر و عالم انعکاس عواطف شخصی انسان می‌باشد که به صورت حماسی ارائه شده است. همه تجربه‌های شاعر وقتی از صافی ذهن و عاطفه او در می‌گذرند، مفاهیم ادب غنایی را می‌سازند. از این منظر ادب غنایی بیشتر ذات درونی روح و اندیشه شاعر است که رشته سخن را در دست دارد.

در شعر غنایی فارسی، شاعران برای گستره حوزه خلاقیت شان و همچنین جلب نظر مخاطبانی / با احساس‌ها و سلیقه‌های گوناگون، از شگردهای متنوعی بهره می‌گیرند. یکی از این شگردها، استفاده از سوره‌های قرآن کریم است که حاوی مبانی و اصول ادبیات غنایی هستند. برخی از این مبانی شامل: شهود، مرثیه، مناجات، هجویه، مدیحه، مرثیه، حسرت، آرزو عشق، و حب، فقر و نیاز و... می‌باشد. قهرمانان اسطوره‌های غنایی فارسی، بیش از همه با رواج داستانهای قرآنی و اسلامی و گاه آمیختگی روایات قرآنی و اسرائیلیات در شعر فارسی جا باز کرده اند. در میان آثار ادبیات فارسی، مثنوی مولوی، بیشترین تأثیر خود را از آیات قرآن گرفته

^۱ گروه بندی آثار ادبی از منظر شکل درونی و بیرونی

^۲ شکل شعرها در قالب‌های دوبیتی، قصیده غزل رباعی مثنوی و... می‌باشد

^۳ شکل آرایش مصرعها و نظام قافیه آرای

است. مولانا برای بیان افکار و مقاصد غنایی، عرفانی و معنوی خود، از داستان‌ها و قصص قرآنی بهره زیادی برده است، چرا که قرآن یکی از کتب آسمانی پر طرفدار در بین افراد از ملیت‌ها و ادیان مختلف است از منظر مولانا جلال الدین بلخی هم کنار نرفته و به واسطه آشنایی وی با معانی و تأویل قرآن، توانسته آن را در تمام اشعار حکایت‌ها و افسانه‌ها و رخداد‌های تاریخی و مسائل عرفانی مطرح نماید و در اشعارش مکرر از قرآن، تأثیر پذیرفته و این تأثیر به کلام و محتوا و مضامین کلامیش جلوه‌ای خاص بخشیده و می‌توان آن را در مثنوی به گونه‌ای بارز احساس نمود و در حقیقت آنچه که مولوی در مثنوی آن را مطرح نموده است در حقیقت همان کلام و مفاهیم قرآنی به زبانی شعر گونه و فارسی و در قالب منظومه‌های بزمی و عاشقانه به گونه‌ای حماسی مطرح شده و تأمل در هر کدام می‌تواند به فهم دیگری کمک نماید (5).

عده‌ای نیز فراتر رفته و درک عمیق و فراتر قرآنی را در درک مثنوی دانسته اند، عده ای / نیز وی را مبلّغی می‌دانند که هر کس می‌تواند در خلال کلامش به تکامل روحی برسد. در حقیقت مولانا با تفوق بر کلام الهی در راستای راهنمایی بشر، عرفان عملی را بر نظری مرحّج دانسته و تعالیم حسّی و توصیه‌های نظری را با تکیه بر سوره‌ها و آیات قرآن در قالب اشعار بیان داشته است و شارحان و مفسران مثنوی در همین راستا اظهار داشته اند که؛ «یک چهارم مثنوی، ترجمه یا تعبیری غیر مستقیم از آیات قرآن است.» که چیزی بالغ بر یک صد و هشتاد و هفت بیت است که صرف نظر از امثال عربی تعداد پنجاه مورد آن آیه، حدیث و سخنان بزرگان است. بطور مثال در «نی نامه برگرفته از آیه معروف: «إِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (آیه ۸۵۶، سوره بقره) فرموده است؛

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

یا در جایی دیگر که بر مبنای حدیث معروف «مَنْ حَفَرَ بَثْرًا لِاخِيهِ وَفَعَّ فِيهِ:» هرکس برای دیگری چاه/هی بکند، در آن می‌افتد.» اظهار داشته؛

آن که می‌درید جامه خلق چست

شر دریده آن او، ایشان درست

از طرفی با توجه به اینکه مثنوی مولانا اثری تعلیمی است و در آن از صبر و بردباری، قضا و قدر مشورت با نیکان و بزرگان، وفاداری و... اشاره نموده است، که با هدف تعلیم مریدان سروده شده؛ که از آن جمله می‌توان به این مورد اشاره نمود که مولانا در دفتر چهارم ضمن تأکید بر صبر و بردباری، در رد افکار منکران و عقوبت آنان این دفتر را مطابق فلک چهارم (فلک خورشید) دانسته است و در این خصوص اظهار داشتند:

در باب صبر و بردباری

خوش بکش این کاروان را تا به حج

ای امیر! الصبر، مفتاح الفرج

در باب قضا و قدر

چون قضا آید، شود دانش به خواب

مه سیه گردد، بگیرد آفتاب

در باب وفاداری

چون که دید دوست نبود، کور به

دوست کو باقی نباشد دور به

اما عشق خاصی که مولانا در زندگی تجربه کرده است و به تبع آن غلبه عشق حق در جان او که جسم خاکی او را از خاک به افلاک رسانده است و تجربه عظیم غزل سرایی ناب او در غزلیات شمس بر ذهن و زبان او در مثنوی نیز تأثیر گذاشته و بخش‌هایی از این اثر را به شعر غنایی بدل ساخته است. غنا در مثنوی مولوی حاصل هجوم تداعی‌های شهودی و شور انگیز و شور و شیدایی و تجربیات ناب عارفانه وی است که در زبان مولوی به صورت یک تجربه تقریباً استثنایی و یک رستاخیز جلو کرده است. غنا در

ادب غنایی در ایران

«اشعار عاشقانه و غنایی در ادب فارسی از اوایل قرن سوم هجری یعنی از نخستین روزگار پیدایش شعر دری آغاز شد و قدیمی‌ترین آن‌ها را در ادبیات بازمانده از حنظله‌ی باد غیسی (به سال ۲۲۰ هجری) یافته شده است، لیکن دوره کمال اشعار غنایی در زبان فارسی از قرن چهارم آغاز شد. در این عهد بود که شاعران به سرودن نوع خاصی از شعر (غزال) و جای دادن تغزلات دلپسند در تشبیب قصائد پرداختند.

غزل و اشعار غنایی در ادامه راه خود در قرن چهارم و پنجم در آثار دو غزل‌سرای مشهور به نام رودکی و شهید بلخی، که دنباله روی نمونه‌هایی غنایی قرن سوم بودند، نمود یافت که علاوه بر غزل تغزلات آغاز قصاید را نیز می‌توان نوعی از ادب غنایی این دوره برشمرد، که فرخی سیستانی استاد این تغزلات غنایی بود. لازم به ذکر است، میل به سرودن غزل در نیمه دوم قرن ششم و اوایل قرن هفتم نیز در میان شاعران ایرانی بیشتر شد. در اواخر این دوره در اشعار غزل سرایانی چون نظامی و خاقانی رگه‌هایی از عرفان دیده شده، اما توجه به غزل در گونه‌ها متفاوتی همچون؛ غزل‌های عاشقانه سعدی و غزل‌های عارفانه مولانا و حافظ خود را نمود بیشتری داد.

ادبیات غنایی نیز به مانند تمامی موارد دارای مولفه‌هایی می‌باشد که از جمله آن می‌توان به "عشق و منظومه‌های بزمی عاشقانه" خسرو و شیرین نظامی، شاهنامه فردوسی، ویس و رامین اسعدی گرگانی، لیلی و مجنون نظامی و بخش‌هایی از گات‌ها"، وصف و مدح، مرثیه در زبان پارسی قدیم از آن با عنوان سوگنامه یاد می‌شود اما فرهنگسرای لغت معانی متعددی همچون؛ (تعزیه، رثا، سوگ سرود، مرثیت، سوگنامه، نوحه، نوحه سرایی، عزاداری، سوگواری، ماتم) را به عنوان معادل برای آن برگزیده است، شادی نامه(شادنامه) شادنامه گونه‌ای از اشعار و آرایه‌های ادبی است که بر چند بخش مهم همچون؛ سلامت ذهن، سلامت جسم، سرگرمی،

مثنوی مولوی یعنی بیان ما فی الضمیر، حسب حال، درد دل، غم فراق و هجران و بیان شمه‌ای از رازهای درون که اگر گفته نشود شیشه دل خواهد شکست. عواملی چند چون عشق به عالم غیب و آرزوی بازگشت، سیطره شمس، حضور عاشقانه حسام الدین و آرمانگرایی انسان کامل بیان مولانا را از ساحت تعلیمی به ساحت غنایی کشانده است و باعث ساختارشکنی در ساختار معمول زبان تعلیمی و تمثیلی، نیز تحول تصویرسازی در بخشهای غنایی شده است. و دو دسته را در اینجا جهت تفسیر و بررسی این اثر ایجاد نموده است

مبلغان و مفسران و متعصبان اسلامی

آشنایی ایرانیان با اسلام و ارتباط قوی آنها با قرآن و تدبر در الفاظ و معانی آن، یکی از دلایل راه‌یابی لغات عربی به زبان فارسی است که تفهیم آن را برای عموم مردم آسانتر نموده و قرآن سهم قابل ملاحظه‌ای در این خصوص داشته است و حتی برخی القاب و افعاظ و استعاره‌های قرآنی امروزه در /کلام انسان‌ها بخشی از گفتار و الفاظ عامیانه روزمره انسان‌ها می‌باشد و آن را بسیار به کار می‌برند و اگر این سطح از به کارگیری لغات قرآن را مبنا قرار دهیم با خیل عظیمی از واژگان مثنوی مواجه خواهیم شد که از قرآن برگرفته شده و همین امر خوانندگان را مجاب به دانستن برخی از الفاظ قرآنی دانسته تا بتوانند اشعار مثنوی را درک نمایند.

پایبندان به اندیشه‌های مولانا (ملامتیه)

که شامل "حیدریه‌ها، جامیه‌ها، قلندریه‌ها، کبرویه‌ها، بکناشیه‌ها" می‌شدند، مثنوی را اثر ارزنده غنایی-تعلیمی نامیده اند که برگرفته از تراوشات ذهنی روحی، فکری و عاطفی مولانا در زمان خو د/ بود که در بعد عاطفی شمس تاثیرات به سزایی در آن داشته است (6) و با توجه به تمامی مواردی که در بالا قید شده در این تحقیق بر آنیم به این سوال پاسخ دهیم که تأثیرمبانی ادبیات غنایی در برخی از سوره‌های قرآن با تکیه بر تحلیل مولانا و مثنوی تا چه حدی است؟

نقشه ذهنی و تمرکز بروی نکات مثبت زندگیرفان (" در مثنوی مولانا از عرفان به گونه‌ای با ترس نام برده میشود به گونه‌ای تمامی عرفا و زاهدان با ترس به زندگی پرداخته اند تا به گونه‌ای غفلت یا لغزشی در کارشان ملاحظه نگردد که در این خصوص حضرت مولانا فرموده است؛

آینه ات دانی چرا غمازا نیست

زانکه زنگار از رخس ممتاز نیس/ت

رو تو زنگار از رخ خود پاک کن

بعد از آن آن نور را ادراک کن

هرکسی ز اندازه روشندلی

غیب را بیند بقدر صیقلی

هر که صیقل بیش کرد او بیش دید

بیشتر آمد بر او صورت پدید

همانطور که در بالا ملاحظه می‌گردد عرفان مولانا، چیزی مغایر و متفاوت با عرفان زاهدان و عارفان هم عصر خود (عرفان خوف و عدل و فضل) می‌باشد و عرفانش، عرفان عشق است، که عالیتین نوع عرفان است. در عرفان عشقی انسان به وحدت میرسد و از حیرانی‌ها رها وی گردد و نگاهش به انسان را از دید روانشناسی و روانکاو است (7). شادی نامه؛ (در لغتنامه فارسی از آن به عنوان، شادی، شور و شوق، اعیاد، مجالس عروسی و شراب خواری، شکار و لحظات سوگواری و... اشاره کرد که به گونه‌ای از عواطف و احساسات فردی نشأت می‌گیرد که همگی ناشی از ادب غنایی است (4) که خواننده با قرائتش غرق شادی یا برعکس (اندوه) می‌گردد (8).

حکم غنا در آیات قرآن

هیچ آیه‌ای از قرآن صریحاً به لفظ غنا اشاره نکرده ولی معصومین (علیهم السلام) به آیاتی از قرآن برای حرمت غنا استشهد نموده اند. این آیات عبارتند از:

۱ «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

۲ «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ

۳ «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

۴ «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

۵ «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَوْنَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

۶ «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخِذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

و بررسی‌های به عمل آمده در خصوص آیات فوق آنها را در ۴ دسته تقسیم بندی می‌نماید

(۱) آیات مذمت کننده لغو؛ که شامل آیات سوره‌های مؤمنون، قصص و فرقان، از هر عمل لغوی نکوهش می‌کنند و به معنای کلام بی فایده و بی ارزش اطلاق می‌شود این آیات از باب جری و تطبیق کلی بر مصادیق و افراد، بر غنا تطبیق شده است. این تطبیق، قابل مناقشه است؛ لذا از این آیات حرمت مطلق، حرمت تمام غنا استفاده نمی‌شود.

(۲) ادله منع تطبیق: که شامل رای شمول آیات نسبت به همه اقسام غنا (د لغو بودن عقلی یا شرعی بودن آنها) را شامل شود ولیکن امکان دارد که در واقعیت چنین امری به صورت کامل ممکن نباشد؛ چرا که برخی از انواع غنا فواید عقلایی دارد و عقلاً لغو نیست. دلیلی نقلی هم که لغویت شرعی فواید مقبول عقل را ثابت کند، وجود ندارد.. آیه سوره قصص نیز دال بر الزامی بودن این وصف نیست. این آیه در وصف اهل کتابی است که به پیامبر اسلام (ص) ایمان آوردند. ادامه این آیه «وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» روشن می‌کند که «لغو» اشاره به سخنان ناشایست مشرکان، خطاب به آنان است که در برابر این سخنان زشت، با تحمل و صبوری پاسخ می‌دهند.

(۳) بررسی روایات: که در آن به بررسی روایات برجای مانده از شیعیان و امامان و پیامبران است اشاره می‌نماید.

۴) آیات: که به بررسی آیات در این خصوص پرداخته و روایت‌های مطرح شده در این حیطه را مورد بررسی قرار داده و صحت و سقم هر کدام را با آیات و روایات باقی مانده از سوره‌های قرآن روایات موجود از ائمه و... مورد بررسی قرار می‌دهند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر بعد از تحقیق و تفحص کامل درباره موضوع مورد نظر، تصمیم بر این شد که

مبانی ادبیات غنایی در برخی سوره‌های قرآن با تکیه بر تحلیل مولانا در مثنوی به طور دقیق و مفصل مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، بر این اساس با مراجعه به سایت‌های اینترنتی و کتابخانه‌ای معتبر به جمع آوری منابع و مآخذ پرداخته شد؛ به طوری که سعی بر این شد، برای تدوین مقاله حاضر از منابعی استفاده شود که بیشترین نزدیکی و همخوانی با عنوان تحقیق یا برخی از مولفه‌های آن را داشته، استفاده شده است. روش پژوهش در مقاله حاضر کتابخانه‌ای بوده، بدین طریق که با مراجعه به کتابخانه‌ها و سایت‌های کتابخانه‌های آنلاین در دسترس و تهیه فیش‌هایی برا ثبت مطالب مورد نیاز، به گردآوری و تنظیم آن پرداخته شد، جامعه آماری پژوهش مذکور، کلیه تحقیقات، مقالات پایان نامه‌ها و

رساله‌های موجود در خصوص ادبیات غنایی در مثنوی مولانا ادبیات غنایی در سوره‌های قرآنی، تحلیل‌های موجود در این خصوص می باشد نمونه آماری در این پژوهش بعد از غربالگری از بین مقالات مرتبط تر با عنوان تحقیق که به عنوان اصلی در کل یا برخی از مولفه‌های اصلی (تحلیل مبانی ادبیات غنایی در برخی از سوره‌های قرآن با تکیه بر تحلیل مولانا در مثنوی) همخوانی بیشتری داشته باشد. روش تحلیل و تجزیه اطلاعات و مطالب این تحقیق نیز به صورت کیفی از نوع توصیفی- تحلیلی بر پایه اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

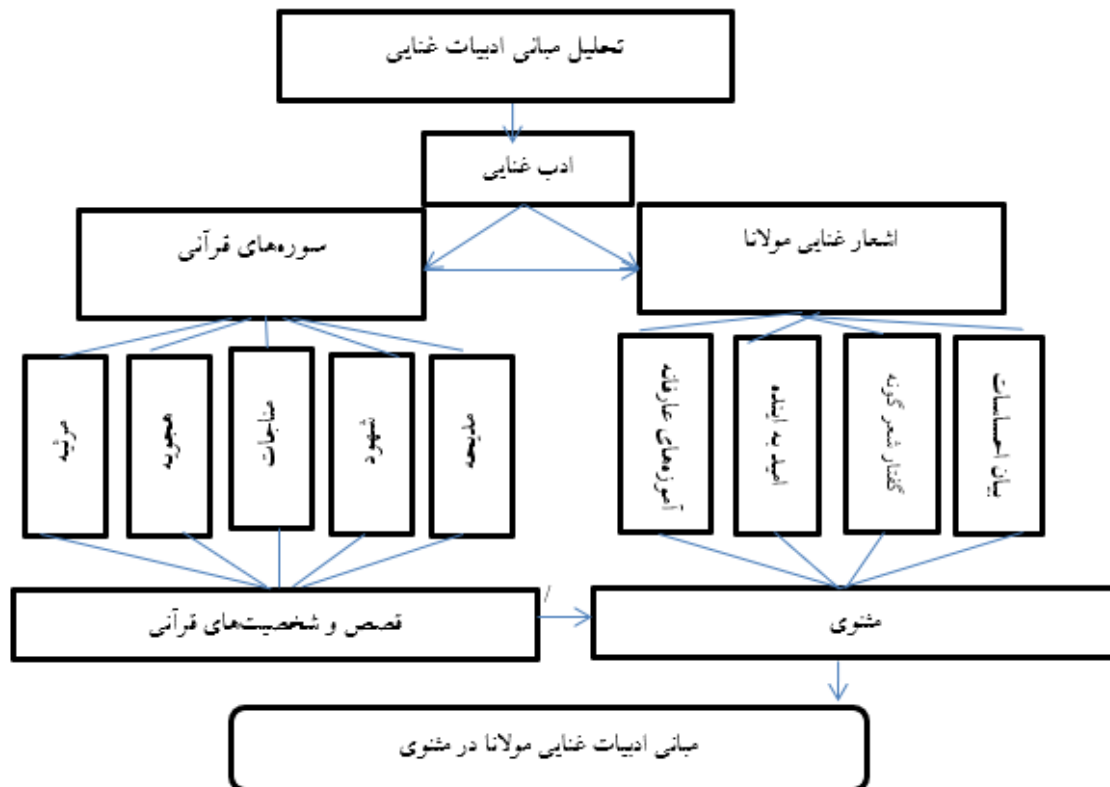
پیشینه تحقیق

در این بخش با توجه به اینکه تحقیق ما به روش اسنادی کتابخانه‌ای حاصل شده برخی از تحقیقاتی را که نزدیکی بیشتری با عنوان تحقیق داشته را در این بخش ذکر کرده و در جدول (۱) که با عنوان پیشینه تحقیق از آن نام برده شده، ارائه داده و در آن به نام نویسنده یا نویسندگان سالی که در آن تحقیق حاصل شده، عنوان تحقیق و توضیحات خلاصه شده، اشاره شده است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	نویسنده/ نویسندگان- سال	عنوان	توضیحات
۱	(۹)	ادبیات غنایی و ادبیات تعلیمی	با اشاره به ادبیات غنی فارسی که لبریز از عواطف و احساسات درونی در قالب‌های گوناگون است و گوینده در آن سعی می‌کند از تمایلات و درونی و عواطف وجودی سخن بگوید و تأثرات خود را در خصوص کلیه موارد تأثیربرانگیز در شعر جلوه گر سازد. شعر غنایی را شعری، حاکی از عواطف و احساسات روحی شاعرش معرفی نموده که در بر گیرنده فخر و حماسه، حکمت و تعلیم، مدح و هجاء، رثاء، تشبیب، وصف، مناظره و نظایر آنها، همه داخل در این قسم هستند. و با اشاره به اینکه، هر اثری، مطلبی را تعلیم می‌دهد از مثنوی مولوی، بوستان سعدی، حدیقه سنایی و منظومه‌های عطار، نام بردند.
۲	(۱۰)	تحلیل ارتباطات غیرکلامی در غنایی خسرو و شیرین	ادبیات غنایی را دنیایی از رازهای ارتباطی دانسته که از طریق شاخه‌های علوم چند دانشی و ارتباطی می‌توان مفاهیم پیچیده غیر کلامی را از بطن آن استخراج کرد. که در حقیقت نوعی راه برای خلق مفاهیم و ترکیبهای گوناگون از طریق ارتباطات و رفتارهای زبان بدن می‌باشد و ارتباط عمیقی با مخاطب برقرار می‌سازد. در این تحقیق خسرو و شیرین نظامی با استفاده از کارکردهای غیر کلامی زبان علامات، زبان عمل و زبان اشیاء و فضای دراماتیک مورد بررسی قرار گرفته است.

۳	(11)	انواع ادب غنائی در شعر رودکی سمرقندی	شعر غنایی گسترده ترین افق معنایی در شعر فارسی است و به همین دلیل اشعار رودکی سمرقندی به لحاظ وسعت مضامین و موضوعات در حوزه شعر غنایی قرار می گیرد. رودکی از پیشگامان عرصه شعر و گویندگان زبان فارسی بوده است که در دوره آغازین تکامل شعر فارسی قدرت و مهارت بی نظیر خود را در سرایش انواع شعر با مضامین گوناگون به نمایش گذاشت و در این زمینه می توان اشعاری با مضامین در حوزه های، مدح، شکوه و شکایت مطرح ساخت.
۴	(12)	گونه شناسی وقوعی ادبیات غنایی (مطالعه موردی، مولانا محمد ولی دشت بیضایی)	سبک یکی از شاعران اواخر قرن ۱۰ و مکتب وقوعی را در ادبیات غنایی مورد بررسی قرار دادند که اینها از مهمترین مولفه های سبکی در شعر فارسی بودند و در آن به جزئیات جهان پیرامون توجه شده بود. آنها توانستند با این بدعت زمینه تبدیل عشق الهی به تجربیات واقعی زندگی را فراهم سازند و به بسانی ساده عوالم عشق زمینی و محبت را به تصویر کشند و در حقیقت در ادبیات غنایی همه چیز بر اساس احساسات نویسنده به تصویر کشیده می شود و با پیاده ساختن این سبک در غزل می توان غزل را به سمت عامه پسندان تر هدایت نمود و همین امر سبب رونق گرفتن بیشتر غزل و رکود بیشتر قصیده ها شد، چرا که غزلها همان روزمرگی های زندگی انسانها را در بر داشتند و همین امر سبب شد بازار آنها رونق بیشتری گیرد.
۵	(13)	فقر و غنا در مثنوی معنوی	با تاکید بر آیات قرآن و احادیث، اظهار داشتند؛ هر شخصی برداشت و دیدگاه خود را در این خصوص دارد که در این مقاله فقر به معنای نیاز و متعاقبا فقیر شخصی نیازمند و حاجتمند خوانده می شود. چرا که احتیاج سبب شکسته شدن می شود و در مقابل، غنا به معنای کفایت و بی نیازی است. در قرآن کریم، فقر و غنا به دو گونه مطرح شده است: که یک دسته از آن به فقر مالی و مادی اشاره دارد و دسته دیگر آیاتی هستند که به معنایی فراتر از معانی مالی و مادی اشاره کرده اند. مولانا نیز در مثنوی ارزشمند خود به دو موضوع فقر و غنا اشاره کرده است و غنا را به دو شاخه (غنای حق و بنده) تقسیم نموده و فقر را به شیوه های گوناگون ستوده است. مقصود مولانا از فقر، محتاج بودن به پروردگار و بی نیاز بودن از خلق است؛ بنابراین فقر در این معنا فخر محسوب می شود به مصداق حدیث الفقرفخری سعی شده ضمن بر شمردن انواع فقر و غنا، این دو موضوع (فقر و غنا) را از منظر قرآن و احادیث مورد بررسی قرار دهد و سپس ابیاتی از مثنوی که به این دو موضوع اشاره کرده اند را آورده اند.
۶	(14)	سخنی پیرامون ادبیات تعلیمی و غنایی، اظهار داشته ادبیات فارسی	ادبیات تعلیمی را از غنی ترین ادبیات جهانی دانسته که سرشار از عواطف و احساسات درونی و قالب های گوناگون رایج زمان خود می باشد و رد پای آن را می توان در مثنوی مولوی و بوستان سعدی و حدیقه سنایی و منظومه های عطار و نظایر آنها ملاحظه نمود که همگی جنبه تعلیمی دارند. در شعر فارسی، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بث الشکوی، گلایه و تغزل در قالب های غزل، رباعی، مثنوی و حتی قصیده مطرح شده است.
۷	(15)	خصوصیات عاشق در قرآن و بازتاب آن در غزل صائب	اظهار داشته برای کامل شدن در زندگی نیازمند هدف یا هدف هایی خواهیم بود که برای رسیدن به آنها باید تلاش کرد. خوشبختی و سعادت در زندگی یکی از این اهداف می باشد و قرآن بهترین راهنمای انسان است که می تواند او را به سعادت رهنمون سازد و عشق یکی از مفاهیمی است که در قرآن به کار نرفته اما واژه های مترادف بسیاری در این خصوص ارائه شده است، که انسان جهت دستیابی به عشق به خدا (مراحل عالی توحید) لازم است از مراحل پایین بگذرد، دل خود را تزکیه کند و در حقیقت با اخلاص عشق خود را نشان دهد، این در صورتی است که عشق با تمام وجود باشد، که در قرآن به آن اشاره شده است و در عصرهای مختلف این موضوع از جانب افراد خاصی از جامعه، از جمله شاعران و نویسندگان نیز مورد بررسی قرار گرفته و یکی از شاعران مشهور در این زمینه صائب می باشد که غزل های او به نوعی از تأثیر گذارترین غزل های دو رده های تاریخی و اجتماعی این سرزمین است. صائب به علت آگاهی از معارف قرآنی در برخی از مضمون های شعری خود از قرآن تأثیر پذیرفته و ریشه این مضمون ها در فرهنگ ایرانی و اسلامی وجود دارد که هر دو باعث پیدایش زمینه هایی برای تکامل انسان می باشند هم از نظر قرآن و هم از نظر صائب، از راه آشنایی با خصوصیات عاشق واقعی می توان دل را صفا داد و به بهترین سعادت که رضای خداوند و رسیدن به اوست دست یافت.
۸	(3)	مروری بر تاریخچه ادبیات غنایی در ایران	اظهار داشته غنایی کهن ترین نوع شعر است که جزو اولین شکل شعر است که انسانها آن را در ارتباطات خود به کار برده و شعر گونه و با کلام دلپذیر همراه است و به منظور بیان احساسات (لذتها و شادی و یاس و ناامیدی) مورد استفاده قرار میگیرد و زبان، موسیقی و تصویر را در خلق اشعار به کار می گیرند



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

همانطور که در شکل (۱) دیده می‌شود در تحلیل ادبیات غنایی و ادب غنایی به بررسی اشعار غنایی مولانا که در مثنوی بدان اشاره شده و برگرفته از سوره‌های قرآنی است که در قالب‌های مدیحه شهود مناجات هجویه و مرثیه در قرآن ارائه شده و مولانا با بهره‌گیری از شخصیت‌ها و قصص قرآنی، آن را به شکلی شعرگونه مطرح نموده و در آن اشعار به بیان احساسات و تعلیم شاگردان و مریدان به صورت پندهای عارفانه پرداخته و مطالعه اشعار آن سراسر تجلی و امید به آینده هست که در این چند سطر سعی بر آن شد به ارائه مبانی ادبیات غنایی مولانا در مثنوی پرداخته شود که سراسر عشق و جاودانگی است.

نتیجه‌گیری

مولانا جلال الدین محمد بلخی یکی از شاعران بلند آوازه قرن هفتم می‌باشد که مثنوی را با اشعار غنایی خود آغاز نموده با توجه به اینکه این کتاب یک کتاب تعلیمی به شمار می‌رود مولانا سعی نموده با بهره‌گیری از سوره‌ها روایات و مناجات و مرثیه‌ها

و... توانسته از صبر و بردباری، قضا و قدر مشورت با نیکان و بزرگان، وفاداری و... شعرگونه‌هایی در باب تعلیم شاگردانش ارائه دهد

در حقیقت مولانا چیزی بالغ بر یک صد و هشتاد و هفت بیت از مثنوی را با تفوق بر کلام الهی در راستای راهنمایی بشر، عرفان عملی و تعلیم حسنی و توصیه‌های نظری را با تکیه بر سوره‌ها و آیات قرآن در قالب اشعار بیان داشته و حتی شارحان و مفسران مثنوی معتقد بودندند؛ «یک چهارم مثنوی، ترجمه یا تعبیری غیر مستقیم از آیات قرآن است. و با توجه به اینکه یافته‌ها در این خصوص تقریباً اندک و محدود می‌باشد با بهره‌گیری برخی از تحقیقات پیشین همچون؛ به یافته‌های بیشتری در این خصوص دست یافته است

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

EXTENDED ABSTRACT

Lyric literature, often perceived as the most emotionally charged and introspective form of literary expression, holds a distinguished position in the history of Persian poetry. Emerging from the deep wells of human emotion—love, joy, sorrow, longing—this genre has long served as a mirror to the internal landscapes of poets, particularly within classical Persian literary traditions. The present study investigates the foundations of lyric literature in selected Surahs of the Qur'an, interpreted through the lens of Rumi's Mathnawi. In this framework, lyric literature is not limited to romantic odes but is seen as encompassing a broader range of emotional expressions, including lamentations, supplications, spiritual longing, and divine love. The universality of these themes in both the Qur'an and Rumi's Mathnawi underpins the analysis. As established by (4), lyric literature permeates various layers of human expression, from ancient chants to sacred scriptures. Rumi, with his intimate knowledge of Qur'anic hermeneutics and mastery over poetic language, transforms divine principles into sensory and affective experiences. His work becomes a unique medium where the metaphysical converges with the poetic, and the sacred becomes imbued with personal emotion. Through this analysis, lyric literature is presented not only as an emotional or aesthetic category but also as a pedagogical

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

and mystical vehicle of communication between the human soul and the divine.

The methodology employed in this research is library-based, utilizing a descriptive-analytical approach to examine textual elements. The sampling process involved filtering a wide array of resources—academic articles, Qur'anic commentaries, and Persian literary texts—to extract those most closely aligned with the study's objectives. Particular attention was paid to Surahs in the Qur'an that inspired Rumi's verses and thematic motifs. Drawing from approximately 187 verses of the Mathnawi, the study finds substantial instances where Qur'anic ideas are either directly referenced or indirectly reformulated into poetic form. Rumi's pedagogical intention is paramount: rather than constructing his poems purely as emotive self-reflections, he employs the form of lyric poetry to educate his disciples, instilling values such as patience, loyalty, and divine decree. His teachings align with Sufi principles and emphasize experiential mysticism, often couched in the emotional intensity that typifies lyric poetry. In essence, the research suggests that Rumi's Mathnawi, while profoundly spiritual and mystical, operates simultaneously as an exemplar of lyric literature rooted in divine inspiration.

The interplay between Rumi's poetic expressions and the Qur'anic text is not merely one of adaptation or metaphorical borrowing.

Instead, it reflects a deeper hermeneutical engagement with sacred scripture through the vehicle of poetic imagination. This is exemplified by Rumi's frequent use of Qur'anic parables, moral teachings, and narrative elements in shaping the architecture of his verses. For instance, the "Reed Flute" (Ney-Namah) section of the Mathnawi opens with imagery inspired by the verse "Indeed we belong to Allah, and indeed to Him we shall return" (Qur'an 2:156), mirroring the sorrowful yearning of the soul for divine reunion. Similarly, Rumi references Hadith and Qur'anic moral wisdom through poetic transformation, such as the notion "He who digs a pit for his brother will fall into it himself." These examples substantiate the argument that the lyricism of Rumi is not accidental but is a deliberate synthesis of Qur'anic worldview and poetic form. Commentators and exegetes of the Mathnawi have affirmed that approximately one-fourth of the work represents paraphrased or interpretive renditions of Qur'anic content. This suggests that Rumi's poetry is both a continuation and an embodiment of Qur'anic spirituality refracted through the sensibilities of Persian lyric traditions.

Historically, Persian lyric poetry has evolved as a dominant expressive form, particularly from the third century Hijri onward. As noted by scholars such as (3), the emotional depth and musicality of Persian poetry laid fertile ground for the development of genres like ghazal, qasida, and masnavi. In this tradition,

poets like Rudaki, Farrokhi Sistani, and later Saadi and Hafez contributed to a rich cultural tapestry of lyricism. The emergence of Rumi within this continuum represented both a culmination and a transformation: his incorporation of Sufi themes and Qur'anic allegories lent his poetry a dimension of divine longing and ethical introspection rarely seen before. While previous poets engaged with love and emotion from a humanistic standpoint, Rumi extended the discourse to encompass the metaphysical and the eternal. As (2) and (6) observe, Rumi's lyricism was deeply influenced by his mystical experiences, particularly his relationship with Shams-e-Tabrizi, which served as both emotional fuel and spiritual catalyst for his verse. In this sense, Rumi's poetry transcends the boundary between personal and universal, embodying what might be termed "sacred lyricism," where every emotional utterance is an echo of divine resonance.

Moreover, the analysis foregrounds the dichotomy between traditional Islamic views on music and poetic expression, particularly concerning the term "ghina" (singing). While no Qur'anic verse explicitly forbids lyrical expression, several are interpreted by Islamic scholars as indirectly condemning frivolous or spiritually distracting speech, including Surahs such as Al-Mu'minun and Al-Furqan. However, the research reveals that not all expressions of ghina fall under this prohibition. As (8) and (7) point out, Rumi's use of poetic language does not aim at entertainment but spiritual elevation.

His lyrics, far from being indulgent or mundane, function as vehicles for conveying higher truths. The dichotomy between “permissible” and “prohibited” ghina is thereby challenged through Rumi’s poetry, which reconciles melody with meaning, emotion with enlightenment. By contextualizing the ethical and pedagogical aims of lyricism within Qur’anic morality, Rumi demonstrates that spiritual music and poetic sentiment, when oriented toward divine truths, are not only permissible but indeed vital for the soul’s journey toward the Beloved.

The significance of this study extends beyond literary analysis and into the realms of ethics, theology, and pedagogy. The Qur’anic Surahs selected by Rumi—rich in allegory, divine justice, and human struggle—are not treated merely as scriptural citations but as templates for existential instruction. This aligns with the educational aim of the Mathnawi, which Rumi composed explicitly for the moral and spiritual development of his disciples. The use of lyric form serves to personalize these teachings, embedding them in the emotional memory of the reader. As shown in the study, themes such as divine decree (qada and qadar), spiritual consultation (shura), patience (sabr), and fidelity (wafa) are not abstract concepts but are given affective weight through lyrical expression. This method allows Rumi to blend instruction with inspiration, ensuring that moral truths resonate not just intellectually but emotionally. The study thereby posits that Rumi’s lyric literature, rooted in Qur’anic

themes, occupies a unique pedagogical space where ethical reflection and emotional depth coalesce, producing a spiritually charged literary experience.

In conclusion, the analysis affirms that Rumi’s Mathnawi should be read as a paradigm of lyric literature inspired by and intertwined with the Qur’an. His unique ability to integrate the emotive power of Persian poetic forms with the theological and ethical substance of Islamic scripture places his work at a rare intersection of literature, mysticism, and divine exegesis. The research underscores how lyricism—often dismissed as merely romantic or subjective—can in fact serve as a profound spiritual medium when guided by sacred purpose and informed by theological insight. The 187 verses of the Mathnawi examined herein reveal a poet deeply attuned to both the aesthetics of form and the gravity of content. Thus, the Mathnawi stands not only as a literary masterpiece but also as a spiritual companion, inviting readers to journey inward through the harmonies of divine truth and human yearning.

References

1. Aristotle. *Poetics*: Tehran: Amir Kabir Publications; 1996.
2. Pirouz G. Lyrical Literature and Its Manifestations in Pre-Islamic Iran. *Journal of Humanities and Social Sciences Research*. 2002(6-7).
3. Naseri F. A Review of the History of Lyrical Literature in Iran. *Dor-e Dari Journal (Lyrical and Mystical Literature)*. 2012(2).
4. Barzegar Khaleghi MR. Sorrow and Joy from Rumi’s Perspective. *Journal of Religions and Mysticism*. 2007;4(12).

5. Tahouni M, Ahmad G. Structural and Stylistic Analysis of Famous Lyrical Masnavis: Master's Thesis, Tarbiat Moallem University, Tabriz, Faculty of Persian Language and Literature; 2011.
6. Siyami F. A Comparative Study of the Masnavi and the Second Half of Shams' Ghazals: Master's Thesis, Tarbiat Moallem University, Tabriz, Faculty of Literature and Humanities; 2009.
7. Rafie S. The Mysticism of Rumi and Lessons from the Masnavi. 2021.
8. Mashhadi MA, Mojoozi R. Elements of Lyrical Literature in Tarikh-e Beyhaqi. Quarterly Journal of Criticism, Analysis, and Textual Aesthetics. 2018;118-35.
9. Ansari Pour K, Iran Doust H, editors. Lyrical Literature and Didactic Literature. National Conference on Lyrical Literature; 2016.
10. Ouladi Ghadi Kelayi A. Analysis of Nonverbal Communication in the Lyrical Poem Khosrow and Shirin. Journal of Persian Language and Literature (Islamic Azad University, Sanandaj Branch). 2021(48):62-99.
11. Parnian Mousa BS, editor Types of Lyrical Literature in Rudaki Samarqandi's Poetry. 8th International Conference of the Persian Language and Literature Promotion Association of Iran; 2014.
12. Panahi N, Chermagi OM. Typology of Voqhuei Lyrics (Case Study: Mowlana Mohammad Vali, Dasht Bayazi). Journal of Lyrical Literature Researches (JLLR). 2021;19(37):59-82.
13. Haj Talebi S, Amiri SM. Poverty and Wealth in Masnavi-e Ma'navi with Emphasis on Quranic Verses and Hadiths. Journal of Persian Language and Literature. 2019(2):136-51.
14. Hosseini Kazerouni SA. A Discussion on Didactic and Lyrical Literature. Journal of Research in Didactic and Lyrical Persian Language and Literature. 2011(5):15-24.
15. Mohaghegh S, editor Characteristics of the Lover in the Quran and Its Reflection in Sa'ib's Ghazals. National Conference on Lyrical Literature; 2016.